زمون املا نهم؛

❤ متن زیر را با دقّت بخوانید. غلط های املائی را پیداکرده، صحیح آن ها را بنویسید . ❤

نقل است آن شب که رابعه در وجود آمد در خانه آنها چندان جامعه نبود که او را درآن پیچند و چراق نبود پس عیال با او گفت به فلان همسایه رو و چراغی روغن بخواه

چون رابعه بزرگ شد در بصره قهطی عظیم پیدا شد و خواهران متفرغ شدند آوازی شنید فردا جاهیط خواهد بود چنان که مقربان آسمان به تو نازند

شبی دزدی درآمد خاست تاچادورش ببرد راه ندید از گوشه ی سومعه آواز درآمد ابلیس ذهره ندارد که گرد او گردد .تو خود را مرنجان ای ترار که اگر یک دوست خفته است دوست دیگر بیدار است

جنگ برپاشده بود تا محمد حهان آرا به قافله ای ملهق شود که به سوی عاشورا می رفت حیاط معمول شهر متوقف شد و رودخانه ماند و نضاره کرد مسجد جامع شهر مزهر ماندن و استقامت بود خرمشهر به اشقال متجاوزان درآمد برای همه صحنه کربلا طداعی شد شایسته گان آنانند که قلبشان از عشق انباشته است مردی از صلاله جوانردان این جمله را بر تابلوی دروازه خرمشهر نگاشته بود

تنین دلنشین کلام ایشان فراتر از جغرافیای فرهنگی تاریخ بشری است .ای ابوذر خداوند متال به سیمای ظاهر و گفته هایتان نمی نگرد ای ابوذر به اندازه نیاز سخن بگوی گشاد روی و خندان باش بی نیازیت را پیش از نیازمندی قنیمت شمار

مفضل به سخنان او اعطراز کرد پس ابرت گیر و تفکر کن چه کسی شش را بادزن دل قرارداده و چیزی بر آن وارد نشود که موجب جراهت گردد و نعمت فراموشی اگر نبود هیچ کس از مسیبتی آرامش نمی یافت در هر یک مسلحنی هست که وثف نمی توان کرد

اگر حیا نبود کسی سله رحم و احسان به خیشان نمی کرد و ترک معاثی نمی کردند اگر دردی نمی رسید به چه چیز طوازع و تضرع می کرد نزد خدا ؟و سدقات می نمود به مساکین ؟و تلب عافیت می کند همه موافق حکمت است و ختا در آن نیست.